

تقریر دفتر استاد سید کاظم مصطفوی «زید عزه العالی» از درس خارج فقه
استاد سید کاظم مصطفوی؛ 1393/07/15



موضوع: شرائط مطهریت آب

توضیحی درباره روایات دال بر اشتراط طهارت آب

روایاتی را نقل کردیم، روایات دال بر اشتراط طهارت ماء را به طور کامل شرح بدهیم. حدیثی که با سند معتبری آمده است عن احمد بن ادریس که توثیق خاص دارد، و محمد بن یحیی اشعری که از اجلاء و ثقات است، جمیعا عن محمد بن احمد که دارای توثیق خاص، عن حسن بن علی بن فضال که بنو فضال اجلاء و ثقاتند که مشکل در عقیده داشته اند درباره اش آمده است که خذوا ما رأوا. عن عمرو بن سعید که شیخ کشی و مصدق بن صدقه که باز هم توثیق خاص از سوی شیخ کشی دارد، عن عمار بن موسی که موثق می شود و شاید به جهت بنوفضال هم این را صحیحه اعلام نکنیم که خلاف احتیاط است، اما به جهت عمار بن موسی موثق اعلام می شود. «عن ابی عبدالله علیه السلام **سئل عما تشرب منه الحمامه فقال کل ما اکل لحمه فتوضو من سؤره و اشرب**» تا ذیل روایت که به عنوان یک قاعده کلی است. (اگر شما خواستید قواعد از نصوص استفاده کنید، هر کجا مبدوء به کلمه «کل» آمده باشد، می توانید یک قاعده فقهی استخراج کنید، اینجا هم یک قاعده فقهی است). «کل شیء من الطیر یتوضو مما یشرب منه»، هر چیزی که از جنس پرندگان است، وضو از سورش و نوشیدن سورش جایز است، «**الا ان تری فی منقاره دما**»، مگر اینکه در **منقارش دیده بشود، «فان رأیت فی منقاره دما فلا توضو منه و لا تشرب»**[1]. اگر در منقارش دم و خونی بود، به آن آبی که در اختیار شما است، اصابت کرد، آب می شود متنجس و دیگر آب طاهر نیست. بنابراین اشتراط طهارت ماء در تطهیر و مطهریت شرط است. و از آنجا که به ضرورت فقه و مذاق شرع فرقی بین جواز شرب و جواز وضو و غسل و غسل وجود ندارد، بلکه همه این موارد انتفاعاتی است از آب، فرق نمی کند. هیچ اختصاصی و خصوصیتی درباره شرب و وضو وجود ندارد. چون خصوصیت وجود ندارد، نهی از شرب و وضو در حقیقت نهی از انتفاع است. از آب متنجس انتفاع مشروع جایز نیست. و این دلیلی

است بر اشتراط طهارت ماء در جهت مطهریت آن و در جهت تطهیر. اگر بخواهید تطهیر بکنید، شئ متنجسی را که به وسیله آب باید آب قبلا دارای طهارت شرعی باشد.

سوال: این آب را می شود از آن انتفاع برد مثلا پای درخت بریزید.
جواب: منظور از انتفاع مشروع که در بیان سید آمده است، انتفاعات عبادی و تکلیفی است نه انتفاعات کشاورزی و باغداری. آن انتفاعات از حیز انتفاع ما بیرون است. ما درباره انتفاعات مشروعه غسل و وضو و شرب که مربوط می شود به فعل شخصی مکلف که دارای حکم شرعی است.

سوال:

جواب: در متن حدیث «کل شئ من الطیر یتوضو مما یشرب منه»، وضو گرفته می شود از آن آبی که سور طیر است، دلیل آن آخر روایت است، «فان رأیت فی منقاره دما فلا توضو منه و لا تشرب». این «فلا توضو منه و لا تشرب» در ذیل کامل کرد مطلب را که اگر دم بود «فان رأیت» مفهوم شرط است، «فان رأیت فی منقاره دما فلا توضو منه و لا تشرب». براساس مشهور اصولیون شرط مفهوم دارد و خلاف مشهور گفته می شود که شرط مفهوم ندارد یا تحقق مفهوم برای شرط نیاز به احراز علت انحصاری دارد. اما در نصوص و در عمل هر کجا ملاحظه می کنید، تمامی فقهاء براساس تتبع ناقص بلا خلاف جمله شرطیه را دارای مفهوم می دانند و گفته می شود که مفهوم در قضیه شرطیه جزء ظهور لفظی است، هرچند دلالتش دلالت التزامی است، ولی جزء ظهور لفظی به حساب می آید. استفاده از نصوص و عمل فقهاء درباره قضیه شرطیه وجود مفهوم است، همه قائل به مفهوم هستند، قضیه شرطیه اگر بیاید، دلالت منطوقی و مفهومی اش بین فقهاء یک دلالت واضح و کاملی است.

شرط چهارم اشتراط اطلاق

اما شرط چهارم که عبارت است از اشتراط اطلاق، گفته می شود که برای مطهریت ماء شرط است که آب باید مطلق باشد، اگر آب مضاف باشد، این آب دیگر مطهر نیست. آبی می تواند مطهر باشد که مطلق باشد. خود آب یا مایع دیگر که اطلاق ندارد، نمی تواند که مطهر باشد. بنابراین اگر آب مضاف شد می تواند مطهر باشد علما و عقلا که گفته شد نسبت بین مزیل و مطهر عقلی و علمی و مزیل و مطهر شرعی نسبت اعم و اخص مطلق بود. مثلا دانشمندان با الکل ازاله می کند، این علما است، و عقلا هم گفتیم که فلاسفه می گویند با پارچه خشنی خون می شود از جسم پاک بشود. بنابراین ازاله شرعی آن است که با مطهرات باشد، اینگونه انجاس و اقدار مثل خون و بول بدون آب قابل تطهیر نیست در شرائط ابتدائی و به وسیله آب باید تطهیر بشود. آب طاهر و مطلق باشد. مضاف نباشد. اگر مضاف بود، آن آب مطهر نیست.

ادله این اشتراط

ادله اشتراط اطلاق چیست؟ 1. اجماع فقهاء، مسئله مورد اجماع است علی الاقل خلافی دیده نشده است. از ابناء عامه قولی یا عملی دیده شده است که با آب دهان یا با پارچه

نجسی را ازاله کرده اند، مخالفت ابناء عامه مخالفت فقهی و فقهائی به حساب نمی آید. و ثانیاً در فقه جزء قطعیات فقهی است که مضاف مطهر نیست. سیدنا الاستاد به این دلیل اشاره می کند. اگر بگوییم مضاف مطهر نیست می شود مصادره، اما اگر یک ضمیمه ای داشته باشید که بگویید جزء قطعیات است در فقه که مضاف نمی تواند مطهر باشد، دلیل می شود و الا محض ادعاء که در فقه مضاف مطهر نیست، می شود مصادره. وجه سوم هم عدم دلیل. ما درباره آثار شرعی و حکم شرعی نیاز به دلیل داریم، برای آب مطلق دلیل داریم که در حد ضرورت است. اما درباره مطهریت مضاف دلیل نداریم و «عدم الدلیل دلیل علی العدم» در اعتبارات شرعی.

نصوص

و از نصوص می توانیم روایتی را مورد استناد قرار دهیم: محمد بن الحسن عن محمد بن محمد بن نعمان که شیخ طوسی از شیخ مفید عن ابی القاسم جعفر بن محمد که می شود ابن قولویه عن ابیه محمد بن قولویه عن سعد بن عبدالله اشعری که از اجلاء و ثقات است، عن احمد بن محمد بن یحیی اشعری که از اجلاء و ثقات است، عن الحسین بن سعید که اهوازی است و عبدالرحمن بن ابی نجران که توثیق خاص دارد عن حماد بن عیسی که از اصحاب اجماع است. عن حریر که حریر بن عبدالله از اصحاب کبار آقا امام صادق علیه السلام است. «عن ابی عبدالله علیه السلام قال **کلما غلب الماء علی ریح الجیفه فتوضو من الماء و اشرب**». اگر طعم آب و ماهیت آب غلبه داشت بر طعم و ریح جیفه و شیء نجس آنجا آب طاهر است و منفعل نشده و از آن آب استفاده کن. «**فاذا تغیر الماء و تغیر الطعم فلا توضو منه و لا تشرب**» [2]، اگر آب مضاف شد، از این آب مضاف استفاده نکنید که مضاف است و مضاف قابل انتفاع نیست. ممکن است این حدیث اشکال بشود که احتمال خصوصیت بدهیم و بگوییم منظور از این تغیر به لون و طعم نجس است، این می شود زیر مجموعه ماء متنجس نه ماء مضاف ولی در جمله اول آمده بود اذا تغیر الماء به عنوان موید می توانید استفاده کنید و الا ممکن است این مربوط باشد به تغیر به لون نجس که از قلمرو بحث ما خارج می شود. اما حدیث سوم و عن محمد بن محمد بن نعمان که شیخ مفید است عن احمد بن محمد بن الحسن بن ولید که ابن ولید است عن ابیه یعنی عن محمد بن الحسن عن سعد بن عبدالله عن محمد بن عیسی که اینها همه اش ثقه است و توثیق خاص دارد، عن یاسین بن ضریر، این یاسین بن ضریر این را تتبع کردم اسمش را در کتابهای در توثیقات عام و خاص ردپای از این شخص نیافتم، در کلمات سید الاستاد آمده یاسین ضریر دو تا خصوصیت دارد که ما استنباط کردیم طبق قواعد رجالی که این شخص دارای مدح است. یک خصوصیت آن این است که دهها روایت از حریر نقل می کند، خود شاگردی حریر و دهها روایت نقل کند از حریر یعنی یک احترام و اطاعتی نسبت به حریر دارد و حریر که از اصحاب خاص امام صادق است این یک امتیاز برایش می شود. مدح دوم هم این است که سیدنا فرموده است یاسین ضریر کتابی دارد، کتابی مربوط به روایات دارد و این کتاب که مربوط به معارف دین است، یک مدحی است. بعد از که مذهبش امامی است و دو تا امتیاز یا یک مدح است در نتیجه سند هم که سند خیلی خوب و متقنی است و بدانیم که شیخ مفید نقل کرده. نقل شیخ مفید و شیخ صدوق و شیخ کلینی در حقیقت یک امتیاز

است. ما در رجال سبک مان این بود که جمع می کنیم امتیازات را، که در مجموع اطمینان پیدا کنیم به وثوق. ما نسبت به یاسین ضریر ممدوح است، پس از که ممدوح شد، روایت می شود حسنه. بنابراین از لحاظ اعتبار سند مشکلی نداریم. «عن ابی عبد الله علیه السلام انه سأل عن الماء النقیع تبول فیہ الدواب»، این آلوده به نجس نیست، نقیع گودال پر از آب در بیابان ها، آب باران می آید و یک گودی پر از آب می شود و استفاده می کردند در قدیم، این نقیع که پر از آب است، یا آب برف باران یا آب چشمه، در آن نقیع «تبول فیہ الدواب، فقال ان تغیر الماء فلا تتوضو منه و ان لم یتغیر ابوالها فتوضو منه و کذلک الدم[3]»، این تغیر اگر پیدا بکند، این تغیر به نجس نیست، بلکه مضاف است. اگر آب مضاف شد، دیگر مطهر از حدث نیست و شرب آن هم حکم جدایی ندارد، استفاده و انتفاع جایز نیست.

سوال: این آب باران بوده

جواب: آب باران است ولی اذا تغیر، رنگ آب که تغیر کند، از اطلاق رفته بیرون که تغیر مضاف شده است.

سوال: در آخر حدیث فرموده است و کذلک الدم.

جواب: حکم ابوال با حکم دم که نجس است، یکی است در حالی که ما می بینیم ابوال دواب فقها نجس نیست، بنابراین ابوال اگر رنگ آب را برگرداند، اینجا همان مضاف طاهر است منتها با این مضاف نمی شود وضو گرفت و دلیل می شود برای مدعای ما.

سوال: عنوان بابی که این حدیث در آن است، این است که نجاسه الماء بتغیر طعمه أو لونه أو ریحہ بالنجاسه لا بغیرها من ای قسم کان الماء.

جواب: ما از این باب که اکثریت آن درباره تغیر آب به لون و طعم نجس بود، یک قانون در رجال است که از یک روایت اگر صدرش کارایی نداشت و موافق تقیه بود یا اجمال داشت، ذیلش درست بود استفاده کن. تبعیض در استفاده از روایات جایز است، و تعدد مطالب از یک روایت کار ممکن است. کار فقیه این است که از بین روایات و جملات مطلب استخراج کنید. ما از آن قسمت که نقیع تغیر کند به لون بول دابه، این نجس نیست و فقط مضاف است، مضاف لا. توضو منه، این هم دلیل می شود. شرط چهارم را گفتیم و کامل شد. می فرماید: «و یشترط فی التطهیر به امور بعضها شرط فی کل من القلیل و الكثير و بعضها مختص بالتطهیر بالقلیل اما الاول» شرطی که درباره مطهریت آب گفته می شود اعم از قلیل و کثیر: 1. «زوال العین»، باید عین نجاست آن آب زائل کند. 2. «عدم تغیر الماء فی اثناء الاستعمال»، 3. «طهاره الماء ولو فی ظاهر الشرع»، 4. «اطلاق الماء بمعنی عدم خروجه عن الاطلاق فی اثناء الاستعمال». «و اما الثانی» یعنی شرط مطهریت درباره آب قلیل این شروطی دارد، «فالتعدد فی بعض المتنجسات»، تعدد در تطهیر و بعد تا عصر و ورود ان شاء الله برای جلسه آینده.

- [1] وسائل الشيعه، شيخ حر عاملی، ج 1، ص 166، ابوابسئار، ب 4، ح 2، ط اسلاميه.
- [2] وسائل الشيعه، شيخ حر عاملی، ج 1، ص 102، ابوابماء مطلق، ب 3، ح 1، ط اسلاميه.
- [3] وسائل الشيعه، شيخ حر عاملی، ج 1، ص 103، ابوابماء مطلق، ب 3، ح 3، ط اسلاميه.